

# واکاوی جایگاه سیاسی - مذهبی کتاب روضة الشهداء میرزای کاشفی

جمشید روستا<sup>۱</sup> - سعیده قره چاهی<sup>۲</sup>

## چکیده

بدون تردید قرن نهم هجری از دوره‌های مهم در تاریخ نگاری ایران اسلامی است. با تأملی در این دوره، می‌توان دریافت که نه تنها آثاری ارزشمند در حوزه تاریخ به رشته تحریر درآمده بلکه در اواخر دوره تیموری و به علت جو سیاسی و مذهبی حاکم، این آثار، رنگ و بوی مذهبی (و به طور ویژه شیعی) نیز به خود گرفته‌اند. نویسندگان این عصر در آثار خود به طور ویژه به زندگانی ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداخته و ارادت خود به این بزرگواران را یادآور شده‌اند.

بی شک کتاب روضة الشهداء میرزای کاشفی یکی از بهترین نمونه‌های این آثار بوده و نویسنده اثر، تحت تأثیر اوضاع سیاسی و مذهبی این دوره به نگارش آن پرداخته است. کتاب مذکور به علت پرداختن به حادثه عاشورا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و همین مهم موجبات اقبال جامعه ایران را در طی قرن‌های بعد برای این اثر فراهم ساخته است. نوشتار حاضر با کاربرد روش توصیفی - تحلیلی بر آن است تا ضمن معرفی کتاب مذکور و نویسنده آن، علل رونق این اثر در دوره تیموریان و دوره‌های تاریخی بعد از آن را مورد تبیین و واکاوی قرار دهد. پرسش اصلی نوشتار حاضر عبارت است از این که چه علت یا عواملی موجبات رونق کتاب روضة الشهداء میرزای کاشفی را در میان مردم ایران فراهم ساخته است؟

**کلیدواژه‌ها:** روضة الشهداء، میرزای کاشفی، تشیع، تیموریان، تاریخ نگاری اسلامی.

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان jamshidroosta@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان

## ۱. مقدمه

دورهٔ تیموری از جمله دوره‌های مهم ادبی و تاریخی ایران بوده و بدان سبب که در این عصر، زبان فارسی، بیش از پیش مورد توجه و اقبال نویسندگان قرار گرفت، اهمیت غیر قابل انکاری دارد. در این دوره آثار مهمی در زمینه‌های گوناگون تألیف گردیده و با تأملی در این آثار، می‌توان دریافت که روح مذهبی این کتاب‌ها تقویت شده و مطالعات و مباحثات دینی نسبت به دوره‌های قبل همچون دوران خوارزمشاهیان و ایلخانان از رواج بیشتری برخوردار شده است و یا از سوی دیگر بر تعداد افرادی که به نوشتن مباحث مذهبی و دینی می‌پرداختند افزوده شده است. میرزای کاشفی از جمله این نویسندگان است که در اواخر دورهٔ تیموری کتاب‌هایی با مضامین دینی و مذهبی تألیف کرده است. در مورد زندگی و مذهب میرزای کاشفی، اقوال گوناگونی وجود دارد و تا به امروز دیدگاه‌های متناقضی راجع به این شخصیت و آثار او ارائه گردیده است.

میرزای کاشفی تألیفات ادبی، تاریخی و مذهبی بی‌شماری را در دورهٔ تیموری، به رشته تحریر درآورده اما بدون تردید مهم‌ترین و چالش برانگیزترین اثر او کتاب «روضه الشهداء» است. این اثر بدان سبب که به یکی از موضوعات مهم تاریخ اسلام یعنی واقعهٔ کربلا و عاشورا می‌پردازد، از اهمیت فراوانی در تاریخ و ادبیات ایران اسلامی برخوردار است؛ تا جایی که برخی برآنند نامیدن مراسم عزاداری شیعیان به نام «روضه» از همین اثر گرفته شده است. شرایط سیاسی و مذهبی در اواخر دوره تیموریان که کتاب روضه الشهداء در آن عصر نگارش یافته، تأثیر زیادی بر این اثر داشته است. البته برخی از روایت‌های این اثر، مجهول و غیرمعتبر است که منجر به تحریفاتی در تاریخ نگاری عاشورا شده است و نویسندگان دوره‌های بعد که به این کتاب توجه نموده‌اند برخی از روایت‌های مجهول و نادرست آن را نقل کرده‌اند؛ همین امر موجبات تشوّت آرا و نظرات اندیشمندان ایران و اسلام را در باب اثر فوق فراهم آورده است.

پژوهش حاضر بر آن است تا در گام نخست به زندگی نامه «میرزای کاشفی» پرداخته و

در دومین گام از علل رونق کتاب روضه الشهداء در میان ایرانیان، سخن به میان آورد. این مقاله می‌کوشد تا به این سوال پاسخ دهد که چرا کتاب روضه الشهداء در ایران مورد اقبال قرار گرفت؟ بی‌شک، شرایط سیاسی و مذهبی دوره تیموریان و سبک ادبی و داستانی روضه الشهداء از جمله مهمترین علل رونق این اثر در ایران است.

### ۱.۱. بیان مسأله

میرزای کاشفی از نویسندگان مشهور و توانای اواخر عهد تیموریان و یکی از پرحاشیه‌ترین نویسندگان قرن دهم هجری قمری است که حتی در زمان حال نیز این بحث‌ها و چالش‌ها در مورد وی ادامه دارد. وی دارای آثار فراوانی است که از مهمترین آثار او روضه الشهداء است. کتاب مذکور یکی از تأثیرگذارترین تألیفات در زمینه تاریخ و ادبیات ایران در دوره تیموری است. این کتاب که واقعه کربلا و حادثه عاشورا را در قالب داستان و رمان ارائه می‌کند خیلی زود مورد توجه مردم سرزمین ایران قرار گرفت. روضه الشهداء میرزای کاشفی در عصر تیموری و پس از آن در دوره صفویه مورد اقبال قرار گرفت و تا عصر حاضر نیز مورد توجه بوده است. مقبولیت این کتاب به چندین علت بوده است که در بخش بعد دلایل آن بیان می‌شود، با این وجود کتاب از رسوخ برخی از مطالب و منقولات جعلی و نادرست در امان نمانده است. در همین راستا مسأله اصلی پیش روی این نوشتار، بررسی علت یا عوامل رونق کتاب روضه الشهداء در برهه‌ای از تاریخ ایران اسلامی است.

### ۲.۱. پیشینه تحقیق

موجبات خرسندی است که کتاب مذکور از جانب برخی از اندیشمندان معاصر، مورد واکاوی قرار گرفته است؛ اما تحقیقات جدید در زمینه این اثر، بیشتر پیرامون نقد روایت‌های آن بوده است. از این میان می‌توان به مقالات ارزشمند ذیل اشاره کرد: ۱- «روضه الشهداء و اخبار معمول» اثر مصطفی گوهری فخرآباد، محمدعلی کاظم بیگی و عبدالرحیم فنوت؛ که در سال ۱۳۹۰ در نشریه تاریخ و فرهنگ دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسیده است. ۲- «نقد و بررسی کتاب روضه الشهداء» که بوسیله حکیمه دبیران و

علی تسلیمی در نشریه پژوهش‌های ادبی در سال ۱۳۸۷ نگارش یافته است. علاوه بر این مقالات، باید بیان داشت که در آثاری هم که به سیرتاریخ نویسی عاشورا پرداخته‌اند، فقط از تحریفات روضه الشهداء، سخنانی به میان آمده است. از جمله این آثار مهم می‌توان به کتاب «تأملی در نهضت عاشورا» که بوسیله رسول جعفریان در سال ۱۳۸۶ انتشارات اعتماد در قم به چاپ رسیده است، اشاره کرد.

### ۳.۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

کتاب روضه الشهداء با پرداختن به واقعه کربلا در قالب رمان و داستان توانسته است به مقبولیت ویژه‌ای در جامعه تیموری و دوره‌های پس از آن دست یابد. توجه به جایگاه میرزای کاشفی و علل رونق کتاب می‌تواند در شناساندن این اثر به عنوان میراث مکتوب تاریخ و ادبیات ایران در دوره تیموری ضروری و مفید باشد.

### ۴.۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تحلیلی است. برای تأمین این منظور، اطلاعات مورد نیاز، از میان منابع و پژوهش‌های صورت گرفته قبلی، استخراج گردیده و مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته است. به عبارت بهتر، این نوشتار به روش کتابخانه‌ای و با فیش‌برداری از منابع اصلی و نیز تحقیقات جدید، انجام پذیرفته است. در انتخاب این روش آن چه بیش از همه اهمیت دارد، بهره‌برداری از منابع اصیل تاریخی و ادبی بوده و همه مطالب برگرفته از این آثار، بر اساس نوع، موضوع و توالی زمانی تنظیم گردیده است. به این ترتیب می‌توان صحت و سقم مطالب را بر اساس ترجیح به اسناد یا موثق بودن راوی سنجید. در آخرین می‌توان با استفاده از قاعده ترجیح عقلی، به نقد نظرات مورخان پرداخت و ضمن ارائه نظرات خویش، به تحریر مطالب اقدام کرد.

### ۱.۲. وضعیت سیاسی - مذهبی ایران در قرن نهم هجری قمری

با تأملی کوتاه در به قدرت رسیدن تیموریان، می‌توان دریافت که همزمان با آغاز حاکمیت این حکومت اوضاع سیاسی و مذهبی شهرهای ایران به نفع شیعیان در جریان بوده و تیموریان نیز نسبت به این موضوع آگاه بودند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۳۰۷). تیمور، نخستین پادشاه تیموری، با توجه به منافع و مصالح خود و همچنین پرهیز از ایجاد درگیری‌های مذهبی سعی کرد حمایت شیعیان ایران را به خود جلب نماید. به باور بسیاری از مورخان و محققان، توجه تیمور به شیعیان از روی اعتقاد و باور قلبی نبوده است و این امر بدان سبب بوده که وی از روحیه مبارزه شیعیان با حکام ظالم آگاه بوده است. در ابتدای ورود تیموریان به ایران، شیعیان این سرزمین و به ویژه در نواحی گیلان و مازندران، به مخالفت‌هایی با آنان دست زدند، اما در نهایت تیموریان که از قدرت روزافزون شیعیان آگاه بودند، دست به انتقام جویی‌های گسترده نزدند (همان: ۳۰۸).

در این دوران، نه تنها سادات شیعه مورد اقبال حکومت و شخص تیمور قرار گرفتند (میرجعفری، ۱۳۷۹: ۱۶۶)، بلکه بزرگان این مذهب، جهت حفظ موقعیت سیاسی - مذهبی خود و هم‌کیشانشان، درصدد بودند توجه تیموریان را به خود جلب کنند تا بدین طریق، ضمن حفظ جایگاه سیاسی و مذهبی خود، ظلم و تعدی این حکام نسبت به مردم را کاهش دهند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۳۱۰). پس از تیمور، فرزندش، شاهرخ تیموری (۸۰۷-۸۵۰ هـ. ق) سیاست دوگانه‌ای نسبت به شیعیان در پیش گرفت. او ابتدا به شیعیان تبعیدی ماوراءالنهر اجازه داد تا به سرزمین خود در ایران بازگردند (همان: ۳۱۶). شاهرخ با توجه به سیاست ظاهری خود نسبت به شیعیان، هرگاه منافع سیاسی خود را در خطر می‌دید، با شیعیان به مخالفت می‌پرداخت. اما در عین حال از وزیران و درباریان شیعه استفاده می‌کرد تا جایی که به دلیل ساختن مسجد گوهرشاد، از دید برخی محققان، احتمال شیعه بودن وی مطرح شده است (همان: ۳۱۸).

شیعیان در دوره میرزا ابوالقاسم بابرین میرزا بایسنقر بن شاهرخ (۸۵۲-۸۶۱ هـ. ق)

آزادی بیشتری یافتند. او دستور داد بر روی سکه‌ها اسامی ائمه علیهم‌السلام را نقش کنند. گفته شده وی بسیار متمایل به مذهب شیعه بوده است، اما به علت غالب بودن مذاهب و فرق تسنن در ایران و منافع سیاسی، از علنی کردن آن خودداری می‌کرده است (همان: ۳۲۲).

شیعیان در دوره سلطان حسین بایقرا که در سال ۸۷۵ هجری، قدرت مرکزی تیموریان را در هرات از آن خود ساخت، از اهمیت و نفوذ بسیاری برخوردار شدند. طی دوران حکومت وی، مجامع علمی و فرهنگی، که با مرگ شاهرخ پسر امیر تیمور در سال ۸۵۰ هجری شکوه و عظمت خود را از دست داده بودند دوباره رونق خود را باز یافتند. حمایت‌های امیرعلیشیرنویسی، وزیر دانشمند و فرهنگ دوست تیموریان، بر تداوم شکوه و عظمت این دوره افزود. اقدام مهم سلطان حسین بایقرا نسبت به اعتقادات شیعی، تصمیم او بر رسمی کردن مذهب تشیع بود (تتوی؛ قزوینی: ۱۳۸۲: ۵۳۴۳).

در انجام این اقدام سلطان حسین بایقرا، علی قائنی، واعظ مشهور دربار، بیشترین نقش را داشته است (مشکوریان؛ الهیاری، ۱۳۹۳: ۱۱۷). بعد از آشکار شدن تصمیم سلطان حسین بایقرا برای تغییر مذهب، مخالفت‌هایی از جانب بزرگان و اعیان علیه وی شکل گرفت که همین واکنش‌ها موجب منصرف شدن سلطان از این تصمیم گردید. در مجموع می‌توان اواخر عصر تیموری را از لحاظ سیاسی - مذهبی نفوذ و برتری مذهب تشیع بر دیگر مذاهب دانست. در این دوره شعائر مذهبی تشیع در زمینه‌های گوناگون ادبی، هنری و تاریخی نمود پیدا کرد و آثاری هم تحت تأثیر این شرایط سیاسی - مذهبی شکل گرفت که کاملاً ماهیت شیعی داشتند (همان: ۱۱۹).

## ۲.۲. میزرای کاشفی از تولد تا وفات

کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی از شاعران و نویسندگان قرن نهم و دهم است که ملقب به واعظ بوده و در شعر نیز کاشفی تخلص می‌کرده است. از زمان تولد او اطلاع دقیقی در دست نیست اما در این که وی در سبزوار متولد شده شکی نیست. گفته شده وی شوهر خواهر عبدالرحمان جامی بوده است (کاشفی، ۱۳۴۹: ۲). او سپس به

نیشابور و مشهد نقل مکان کرده است. کاشفی پس از آن نزد عبدالرحمان جامی و امیر علیشیرنویسی وزیر سلطان حسین بایقرا، منزلت ویژه‌ای یافت (همان: ۳). کاشفی را جزء، پنج عالم مشهور خراسان در قرن دهم دانسته‌اند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۲۱). تخصص او در وعظ و انشا بوده، اگرچه در علم نجوم نیز مهارت داشته است. میرخواند، از مورخان دوره تیموری، در مورد علم و فن بلاغت او در کتاب روضة الصفا این گونه سخن می‌راند:

«در علم نجوم و انشایی مثل زمان خود بود و در سایر علوم نیز به امثال و اقران، دعوی برابری می‌نمود؛ به آواز خوش و صوت دلکش به امر وعظ و نصیحت می‌پرداخت و به عبارات لایقه [و اشارات رایقه] معانی آیات بینات کلام الهی و غوامض اسرار احادیث حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و سلم را مبین می‌ساخت. صباح روز جمعه در دار السیاده سلطانی که در سر چهار سوق بلده هرات واقع است به وعظ مشغولی می‌کرد؛ و بعد از ادای نماز جمعه در مسجد جامع، امیرعلیشیر نیز در لوازم آن کار شرط اهتمام به جای می‌آورد. در روز شنبه در مدرسه سلطانی وعظ می‌گفت و روز چهارشنبه در سر مزار پیر مجرد خواجه ابوالولید احمد می‌رفت و نیز در اواخر اوقات حیات چندگاه در حظیره سلطان احمد میرزاروز پنج شنبه به آن امر پرداخت. مقتضای اجل موعود رسید فی سنهٔ عشر و تسع مائه (۹۱۰ هـ.)» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۱۱/۵۹۶۵).

از نکات قابل توجه در مورد میرزای کاشفی، که در منابع و آثار جدید به آن توجه نشده است، معروفیت میرزای کاشفی در کشورهای هندوستان و انگلستان است. میرزای کاشفی از مشهورترین نویسندگان ایرانی در سرزمین هندوستان است و برخی آثارش در انگلستان شناخته شده است. (آربری، ۱۳۷۱: ۳۷۱)

مذهب کاشفی را نمی‌توان به سادگی مشخص کرد؛ هر چند که نام او حسین و از شهر شیعی سبزوار است. این عوامل از این حکایت دارد که به احتمال قریب به یقین، در خانواده‌ای شیعی تولد یافته باشد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۲۷). رفتن او به هرات و هم‌نشینی با افرادی که از اهل سنت بوده‌اند باعث شده است، برخی او را از اهل سنت بدانند. برخی نیز او را از صوفیان نقشبندیه دانسته‌اند. ابوالحسن الشعرانی، در مقدمه کتاب

روضه الشهداء در مورد مذهب او می‌گوید: «ملاحسین کاشفی یا در باطن شیعه بوده و یا اگر سنی بوده و به مذهب ابوحنیفه تظاهر می‌کرده، در اصول با یک فرد شیعه هیچ تفاوتی نداشته است.» (کاشفی، ۱۳۴۹: ۵).

قاضی نورالله در مورد مذهب کاشفی می‌گوید: «معاشرت با امرای هرات، مخصوصاً با امیر علیشیر، او را به تظاهر به مذهب آنها وا داشت؛ وگرنه مردم سبزواری پیوسته شیعه بودند و ملاحسین هم در سبزواری متولد شده بود» (همانجا: ۵). او شاگردانی داشته که از اهل سنت بودند و همچنین مواضع ضد شیعی داشته‌اند. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۲۹). به همین دلیل به درستی نمی‌توان او را شیعه یا سنی دانست. رسول جعفریان او را از اهل سنت می‌داند که گرایش به شیعیان داشته است و به اصطلاح اهل سنت دوازده امامی می‌گویند. (همان: ۳۳۱) اما به غیر از روضه الشهداء که رنگی شیعی دارد کتاب دیگر کاشفی، "فتوت نامه سلطانی" هم رنگی شیعی دارد که باز نامیدن او به اهل سنت را دشوار می‌کند. دو پهلو بودن مذهب کاشفی شاید به این دلیل بوده که خود وی نمی‌خواست که گرایش خود را به درستی آشکار کند.

از چگونگی ازدواج و تعداد همسران و فرزندان میرزای کاشفی اطلاع دقیقی در دست نیست اما از وی پسری به نام فخرالدین علی معروف به صفی در منابع ادبی و تاریخی ذکر شده است. فخرالدین علی مانند پدر، نویسنده و واعظی توانا بوده است. شیعه بودن وی در نزد ما محرز نیست و مانند میرزای کاشفی مذهب او قابل تشخیص نیست. در آثار فخرالدین علی، محبت زیاد نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام به چشم می‌خورد (صفی، ۱۳۳۶: ۱۱).

## ۳.۲. آثار میرزای کاشفی

میرزای کاشفی دارای تألیفات زیادی است که مهمترین اثر او کتاب روضه الشهداء است. اما وی دارای آثار دیگری هم هست که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱- اخلاق محسنی ۲- مخزن الانشاء ۳- جواهر التفسیر ۴- مختصر تفسیر جواهر ۵-
- العلیه ۶- انوار سهیلی ۷- فضیلت صلوات ۸- اختیارات نجوم ۹- الاربعین ۱۰-
- اسماء الله الحسنی ۱۱- ادعیه ۱۲- حروف ۱۳- اسرار قاسمی در طلسمات ۱۴- السببه



الكاشفيه ١٥- بدايع الافكار في ضائع الاشعار ١٦- شرح مثنوی ١٧- لب مثنوی ١٨- فتوت نامه سلطانی (کاشفی، ١٣٤٩: ٤-٣) .

## ٤.٢. تصویر امام حسین علیه السلام و واقعه کربلا در کتاب روضة الشهداء

کتاب روضة الشهداء میرزای کاشفی از حیث پرداختن به واقعه عاشورا و شهادت شهیدان کربلا دارای اهمیت است. وی سعی کرده است قسمتی از کتاب را که مربوط به امام حسین علیه السلام است برای مجالس عزا و سوگواری تألیف کند. در کتاب وی روز عاشورا تاریخی اندوهناک معرفی شده است که جزو غم انگیزترین حوادث تاریخ اسلام است:

«بیا بگری که عاشور است امروز  
جهان تاریک و بی نور است امروز  
حسینی کونبی را نور دیده است  
به دست خصم مقهور است امروز  
بریده حلق و تشنه لب جگرخون  
سراز تن ، تن ز سردور است امروز»

(کاشفی ، ١٣٥٨: ٣٥٥)

در جای دیگری از کتاب ، کاشفی واقعه کربلا را مصیبتی عظیم معرفی می کند که از نگارش آن عاجز است:

«حقا که شرح این حکایت مشتمل بر نکایت بمرتبه ایست که باعانت قوت تقریر در مکان امکان ننگجد و ثبت این قصه منطوی بر غم و غصه بمثابه ایست که به وسیله صورت تحریر بحیث ظهور در نیاید. نه زبان قلم را طاقت اظهار است و نه قلم زبان را قوت و یارای گفتار» (همان: ٢٤٢).

«همی ترسم که اندر وقت تقریر  
زبان از آتش بی حد بسوزد  
وگر تقریر خواهم آن زمان هم  
قلم بشکافد و کاغذ بسوزد»

(همان: ٣٥٥)

نگاه کاشفی به امام حسین علیه السلام یک نگاه صوفیانه است. روضة الشهداء تنها درباره امام حسین علیه السلام نیست بلکه درباره بلایا و مصیبتی است که بر انبیای سلف و اهل بیت وارد آمده که رویداد کربلا اتمّ ابتلا و امتحان است. در واقع آن چه درباره انبیای سلف و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام و امام حسن علیه السلام در اثر کاشفی آمده

مقدمه‌ای برای بحث اصلی کتاب یعنی ابتلائات امام حسین علیه السلام در کربلاست: «ماه محرم، ماهی محترم بود و امام حسین بن علی شاهی محترم. آن معاندان و متکبران سنگین دل نه حرمت ماه بجای آوردند و نه حشمت شاه نگاه داشتند. ماه محرم یکی از ماه‌های حرام و روز عاشورا روزی با احترام و یوم الجمعۀ سید ایام و وقت نماز آدینه محل اجابت دعا و روا شدن مرام و مدعا در چنین ماهی قصد چنان شاهی کردند و در عاشورا شور از اهل بیت برآوردند» (کاشفی، ۱۳۵۸: ۳۵۴).

روضه الشهداء و مشقات آن به شیعیان اجازه داده است که در گذشته و حال علیه بی‌عدالتی‌ها، زورگویی و ستم بکنند. با استناد به منابع تاریخی محاصره کربلا، نه روز به طول انجامید و در روز عاشورا یعنی دهم محرم با حمله سریع و بی‌رحمانه لشکر یزید به پایان رسید، کاشفی به هر کدام از هفتاد و دو تن شهدای همراه امام حسین علیه السلام این فرصت را می‌دهد که وفاداری خود به حسین علیه السلام و شجاعت و مردانگی‌شان را نشان داده و تک‌تک یا در گروه‌های کوچک با تمام لشکر دشمن بکنند. حالت دراماتیک داستان نیز مژگی بر آن است که امام حسین علیه السلام به عنوان امام و فرمانده جناح حق و زنان حاضر در صحنه کربلا، شاهد تمام وحشی‌گری و خون‌خواری لشکر یزید هستند. بعد از این‌که امام حسین علیه السلام بی‌رحمی دشمن و مرگ پسران و برادران و همراهان را به چشم می‌بیند، آن وقت نوبت جنگیدن و مرگ خود او می‌رسد. کشته شدن او در آخر قرار می‌گیرد تا بتواند شاهد زجر همراهانش، تشنگی آن‌ها در دشت سوزان کربلا و نبرد خونین آن‌ها با لشکری هزار بار قوی‌تر باشد. همین پایداری امام حسین علیه السلام در نبرد تا آخرین لحظه و علی‌رغم زجر روحی و جسمی است که او را تبدیل به «سید الشهداء» می‌کند (چلکووسکی: ۱۳۷۹: ۱۰۱-۱۰۰).

چهره امام حسین علیه السلام در این کتاب، بیش از هر چیز چهره یک مؤمن (صوفی) ممتحن است که باید بر اساس پیش‌آگاهی از سرنوشت محتوم خویش مسیر شهادت را طی کند. نقش او تنها تحمل سختی‌ها و مصایب این راه است که با رسیدن به انجام آن یعنی، شهادت می‌تواند به درجاتی که خداوند برای او در عالم آخرت در نظر گرفته نایل شود و همین دلایل باعث تأثیرگذاری کتاب روضه الشهداء در بین مردم شده است

(گوهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

در دوره صفویه مردم در دهه اول محرم هر شب یک فصل از این کتاب را در مجالس خود می خواندند و به سوگواری و عزاداری می پرداختند (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۸۰). پیامد این استقبال از کتاب باعث شد تا در همه محافل عزاداری شیعی و سنی مورد استفاده قرار گیرد و برای بازگویی مصایب امام حسین علیه السلام و یارانش مهم ترین منبع به شمار آید. در واقع کتاب روضه الشهداء برای چندین قرن، یکی از تأثیرگذارترین آثار مذهبی به زبان فارسی در مورد شهادت امام حسین علیه السلام در منطقه شرقی جهان اسلام بوده است. محدوده جغرافیایی تحت نفوذ این کتاب را از ترجمه و تلخیص های متعددی که تنها اندکی پس از وفات مؤلف به زبان های مختلف صورت گرفته است، می توان دریافت.

اوج تأثیرگذاری این کتاب را در پیدایی اصطلاح «روضه خوان» می توان دید. در ایران و عراق مرثیه خوانان، مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام را «روضه خوان» می گفتند که به معنای خوانندگان روضه الشهداء بود. زیرا معمولاً بر منابر، شرح واقعه کربلا را از روی این کتاب برای مردم می خواندند (آقا بزرگ، ۱۴۰۵: ق ۱۱ / ۲۹۴). رسم بر آن بود که روضه خوان، یعنی خواننده همین کتاب، آن را در مجلسی که عزاداران واقعه کربلا فراهم می آوردند، می خواند و دیگران می شنیدند و می گریستند؛ سپس این گونه مجالس را مجلس «روضه خوانی» نام نهادند (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۳۳).

طبق نوشته خوانساری، روضه الشهداء تنها کتابی بود که اهل منبر و وعاظ برای بیان مصایب اهل بیت به آن مراجعه می کردند و در منبر عین آن را می خواندند؛ زیرا می دانستند که قادر به تقریر بهتر از آن نیستند (خوانساری، ۱۳۹۱: ۳ / ۲۳۰). این کتاب نه تنها منبع روضه خوانان برای واقعه عاشورا بوده است بلکه به نظر می رسد بسیاری از آن چه که درباره پیامبران و اهل بیت علیهم السلام برای قرن ها در ذهن و اندیشه ایرانیان نقش برجسته برگرفته از همین کتاب باشد؛ زیرا موضوع کتاب بسی عام تر از واقعه کربلاست و نیمه نخست آن به اخبار انبیای الهی و اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد.

نثر گیرای روضه الشهداء با اشعار پراکنده آن (اغلب دوبیتی) و شرح زنده علل نبرد امام حسین علیه السلام، این کتاب را تبدیل به مقتل نامه بی نظیری کرده است که پانصد سال

سرآمد ادبیات شیعه است. این کتاب شرح تراژدی کربلا را آنگونه حفظ می کند که جوامع شیعه می توانند با استفاده از آن خود را در مقایسه با اصول و ارزش های امام حسین علیه السلام بسنجند (چلکووسکی، ۱۳۷۹: ۱۰۰). تأثیر روضه الشهداء، فراتر از محدوده باور و برداشت های عامه بوده است. چنین به نظر می رسد برخی از مراسم آیینی مربوط به کربلا مثل تعزیه امیر تیمور نیز متأثر از این کتاب باشد. کاشفی قتل عام شامیان بوسیله تیمور را انتقام از آن ها بخاطر شرکت داشتن نیاکانشان در قتل امام حسین علیه السلام معرفی کرده است (گوهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۵). به عبارت بهتر، کتاب روضه الشهداء سهم بسزایی در تکوین هسته نمایشی تعزیه از لحاظ داستان پردازی داشته است (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۳۶). برخی از محققان، این کتاب را از عوامل هموار کننده پیروزی نهضت صفویه و یا دست کم یکی از عوامل اصلی گسترش تشیع در ایران به شمار می آورند که جامعه ایرانی از پیش مستعد تغییر مذهب شده بود (شیبی، ۱۳۸۱: ۳۲۷).

## ۵.۲. واکاوی کتاب روضه الشهداء و علل اقبال به آن

کتاب روضه الشهداء میرزای کاشفی از کتب مهم ادبی و تاریخی اواخر عصر تیموریان است. این اثر توانسته است به معروفیت فراوان در بین مردم ایران و همچنین نویسندگان بعد از خود به ویژه طی دوران صفویه تا عصر قاجار، دست یابد. کاشفی در کتاب روضه الشهداء اظهار داشته است که این کتاب را در ایام کهنسالی به رشته تحریر در آورده است (کاشفی، ۱۳۴۹: ۶). کتاب دارای ده باب به شرح ذیل است:

۱- باب اول در ابتلای بعضی از انبیا علیهم السلام؛

۲- باب دوم در جفای قریش با حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت حمزه و جعفر

طیار علیه السلام؛

۳- باب سوم در وفات حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم؛

۴- باب چهارم در حالات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از زمان ولادت تا زمان وفات؛

۵- باب پنجم در اخبار علی مرتضی علیه السلام از زمان ولادت تا شهادت؛

۶- باب ششم در فضایل امام حسن علیه السلام و بعضی از احوالات وی از ولادت تا

شهادت؛

۷- باب هفتم در مناقب امام حسین علیه السلام و ولادت وی و اموال آن سرور بعد از وفات

برادر؛

۸- باب هشتم در شهادت مسلم بن عقیل و قتل بعضی از فرزندان او؛

۹- باب نهم در رسیدن امام حسین علیه السلام به کربلا و محاربه با اعدا و شهادت او با اولاد

واقربا و سایر شهدا؛

۱۰- باب دهم در وقایع بعد از حرب کربلا برای اهل بیت و عقوبت مخالفان یا مباشران

حرب.

### ۲.۱.۵.۱. سبک داستان گویی و مخاطب محور روضه الشهداء

داستان نویسی در اواخر قرن نهم هجری نسبت به دوران پیش از خود رواج بیشتری یافت. این پیشرفت‌ها مرهون تلاش‌های پادشاهان و فرمانروایان هند و دکن بوده است. سنت قصه خوانی در این عهد، بسیار نمود پیدا کرد. دستگاه‌های سلطنت و امارت و خاندان‌های اشراف و متکلمان این دوره، وابستگی داشتند که شغلشان حکایت کردن داستان در مجلس‌های دوستانه روزانه و شبانه و یا جمع‌آوری و نگه داشتن داستان‌های مکتوب پیشین و خواندن آن‌ها در مجالس بوده است (صفا، ۱۳۷۰: ۱۴۴۸/ج ۵).

در عهد تیموریان به کسانی که در این مجالس مبادرت به خواندن داستان می‌کردند، «قصه‌خوان» و «دفترخوان» می‌گفتند. تغییر در بافت‌های اجتماعی این دوره، عامل اصلی داستان نویسی و رمان نویسی بود (شمیسا، ۲۶۶: ۱۳۹۰). از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار قرن نهم و دهم، پیدایش سبک داستان پردازی و ارائه قرائت‌های جذاب و مخاطب محور بود. سبکی که بر پایه گرایش طبیعی انسان به حکایت و نقل زیبای وقایع، شکل گرفت و طبیعت فطری انسان‌ها در بزرگ داشت و بزرگ جلوه دادن قهرمانان خود، به آن کمک نمود. در این میان افرادی آیات و روایات بازدارنده از دروغ‌پردازی را با جعل اصطلاح «زبان حال» کنار زدند و یا حتی در برخی نمونه‌های معدود، دروغ را تجویز کردند. راه یافتن این زبان تخیلی، احساسی و داستانی به منبر، مرثیه و تعزیه، چرخه

نقل شفاهی و نگارش کتبی را کامل کرد و پس از مدتی آن چه به عنوان مرثیه ، مداحی و نقل حکایت و به منظور برانگیختن احساسات ساخته و خوانده شده بود، به کتاب‌ها راه یافت. کتاب روضة الشهداءای میرزای کاشفی از همین نوع آثار است. روضة الشهداء خوانی به سبک داستان‌گویی به عنوان یک شغل در دوره تیموری و صفوی تبدیل شد (جعفریان، ۱۳۷۹: ۷۶۲). نکته جالب توجه این است که خود میرزای کاشفی بر تألیف این کتاب به زبان داستانی و قصه‌پردازی برای زیبایی سخن، اعتراف می‌کند:

«در آیین سخن رانی بکوشد سخن را کسوتی از نوپوشد  
 ز سکه نو کند نقد کهن را به زیورها بیاراید سخن را»

(کاشفی، ۱۳۴۹: ۱۳).

برای نمونه میرزای کاشفی در جای دیگر کتاب خود، داستان به بند کشیدن حضرت یوسف به دست زلیخا را در قالب داستانی و مخاطب محور بیان می‌کند:

«القصه چون زبان مردم در عرض زلیخا دراز شد و از هر جانبی در ملامت بروی باز شد آهنگری را بخواند و گفت بند گران بساز و سلسله محکم ترتیب کن تا بر دست و پای این غلام عبری نهم و روزی چند در زندان گوشمال دهم آهنگر را که نظر بردست و پای یوسف افتاد گفت ای زلیخا او خردست، طاقت بند گران ندارد...»

(همان: ۵۳).

## ۲.۵.۲. رویکرد احساسی - عاطفی روضة الشهداء

مظلومیت و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش یکی از غم‌بارترین حوادث تاریخ اسلام است و همه مورخان به آن اذعان دارند. از قرن هفتم هجری قمری به بعد، به جنبه تراژدیک و غم‌بار حادثه کربلا توجه بسیاری شد؛ به گونه‌ای که این بُعد، بر جنبه‌های دیگر حادثه از قبیل: امر به معروف و مبارزه با ستمگران، مقدم داشته شد. نویسندگانی که به شرح شهادت امام حسین علیه السلام می‌پرداختند از قرن هفتم به بعد همه تلاش خود را به کار بردند تا به هر وسیله‌ای حتی جعل و دروغ، احساسات و عواطف مردم را تحریک کنند

(مفتخری، ۱۳۸۷: ۱۷۱). این بُعد به گونه‌ای در میان مردم تأثیرگذار بود، که بُعد حماسی و سیاسی حادثه را تحت شعاع خود قرار می‌داد. مؤلف کتاب «دستور شهیاران» به خوبی تأثیر احساسی و عاطفی کتاب روضه الشهداء را در عصر صفویه، نشان می‌دهد:

«روز عاشورا به تالار عالی قاپو برآمده، بعد از خوانده شدن روضه الشهداء، مردم محلات اصفهان و تبریزی‌ها و قزوینی‌ها و یزدی‌ها و هنود فیلبانان، نخل‌ها و اشباه، اشباح شهداء آراسته، هر طایفه به وضعی و طریقه [ای] و هر جماعتی به طوری و رویه [ای] آمده، در نظر کیمیا اثر، شور قیامت آشکار و آشوب کربلا، معاینه نمودار و گرد کدورت برفرق فرق شیعیان بیخته و نمونه محشری در میدان نقش جهان برانگیخته گردیده» (نصیری، ۱۳۷۳: ۲۹).

میرزای کاشفی در لابه لای کتاب روضه الشهداء با کلمات و جملات زیادی سعی در تحریک احساسات مردم دارد و در این اثر نمونه‌های زیادی از آن وجود دارد:

«حقا که شرح این حکایت مشتمل بر نکایت به مرتبه‌ای است که به اعانت قوت تقریر در مکان امکان ننگجد و ثبت این قصه منطوی بر غم و غصه، به مثابه‌ای است که بوسیله صورت تحریر به حیث ظهور در نیاید؛ نه زبان قلم را طاق‌ت اظهار است و نه قلم زبان را قوت و یارای گفتار

همی ترسم که اندر وقت تقریر      زبان از آتش بی حد بسوزد  
وگر تحریر خواهم آن زمان هم      قلم بشکافد و کاغذ بسوزد»

(کاشفی، ۱۳۴۹: ۲۴۲)

### ۳.۵.۲. روایت‌های غیر معتبر برای جذابیت بیشتر روضه الشهداء

با تأملی دقیق در روایت‌های کتاب روضه الشهداء، می‌توان دریافت که این کتاب آمیخته‌ای از گزارش‌های کتاب‌های معتبر و غیر معتبر است. اعتماد به روایت‌های آن باعث می‌شود آن چه در کتاب، وجود دارد مورد سوء استفاده قرار گیرد و جاذبه اخبار نادرست آن به گونه‌ای است که بر خواننده و شنونده تأثیر می‌گذارد و مورد استقبال آن‌ها قرار می‌گیرد. روضه الشهداء، به منابعی ارجاع داده است که برخی جعلی هستند و یا منبع مورد استفاده از اعتبار کافی برخوردار نبوده است. از سده نهم و دهم هجری قمری

آثار مذهبی برای مردم پسند نشان دادن خود به روایت های نامعتبر تاریخی روی آوردند (صاحبی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). کاشفی هم بیشتر از منابعی استفاده کرده که عموماً مجهول و غیر مستند هستند و گاهی هم خواسته است کلام خود را به هر شکلی ارجاع دهد. منابعی را که او در کتاب از آن ها نام برده است عبارتند از:

- |                                |                         |
|--------------------------------|-------------------------|
| ۱- اسباب نزول                  | ۷- مقتل ابوالمفاخر رازی |
| ۲- بحر الحقایق                 | ۸- روضة الواعظین        |
| ۳- اعلام الوری                 | ۹- نور الائمة           |
| ۴- تاریخ ابوالمید موفق بن احمد | ۱۰- مقتل دینور          |
| ۵- تاریخ طبری                  | ۱۱- تاریخ ابن اعثم کوفی |
| ۶- روضة الاحباب                | ۱۲- شواهد النبوه        |
- (کاشفی، ۱۳۴۹: ۹۴)

دیگر منابع، غیر مستند و غیر آشنا هستند. حتی ارجاعات به منابعی که ذکر شد بی اساس است.

#### ۲. ۴. ۵. نثر ادبیانه روضة الشهداء

روضه الشهداء، شرح شهادت امام حسین علیه السلام را در یک قالب ادبی بسیار زیبا ریخته است و با هیجانی ترین شکل تألیف کرده است. کاشفی برای مورد اقبال واقع شدن کتاب روضة الشهداء از اشعار خود و دیگران بهره گرفته است (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۶). یکی از داستان های مشهور کتاب که با نثری ادبیانه نگارش یافته است، داستان خسرو و شیرین است که گمان می رود آن را تحت تأثیر خسرو و شیرین نظامی نوشته باشد. وی داستان را با شیوایی بی مثالی این گونه آغاز می کند:

«کنیزکی بود به غایت زیبارو و او را شیرین گفتندی. در لطافت، شیرین زبان بود و در ملاحظت، لیلی دوران:

دو شکر چون عقیق آب داده      دو گیسو چون کمند تاب داده

(کاشفی، ۱۳۴۹: ۳۶۹)



همچنین در جای دیگر در باب حضرت یوسف علیه السلام و دور افتادن وی از پدرش، چنین آورده است :

« یعقوب گفت ای دنیا برادرانت را چه شد که دیرآمدند و سبب چیست که ماه رخسار یوسف من از مطلع وصال، طالع نمی شود؟ و شمع جمالش چرا کلبه تاریک فراق را به لوامع انوار خود روشنی نمی بخشد؟ ای دختر از تخیل مفارقت یوسف علیه السلام و تصور مهاجرت او آتش حسرت در التهاب آمد و سفینه آرام و قرار در گرداب اضطراب افتاد :

« یارب چه شد امروز که آن ماه نیامد      جان رفت زتن و آن بت دلخواه نیامد »

(همان: ۴۶)

## ۲. ۵. ۵. زبان فارسی کتاب روضة الشهداء

کتاب روضة الشهداء بدون شک اولین کتاب فارسی در شرح شهادت امام حسین علیه السلام نیست، اما به علت استفاده از جملات و اشعار فارسی، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از کتاب های همانند روضة الشهداء با متن عربی در دسترس بوده اند و برای بسیاری از مردم که به زبان عربی تسلط کمتری داشتند، خواندن آن ها دشوار بوده است. این کتاب شامل قصه پردازی هایی است که تا آن زمان سابقه نداشته است و مؤلف بر خلاف نویسندگان قبل، خود را مقتید به ذکر سند نساخته است. کتاب روضة الشهداء، چون به زبان فارسی ساده و شیرین نگاشته شده است، مورد توجه مردم، وعاظ و روضه خوان ها قرار گرفت (مجموعه مقالات فرهنگ عاشورا، ۱۳۷۵: ۲۶۹).

کاشفی ادعا کرده است مقصودش از تألیف این کتاب، استفاده مردم فارسی زبان بوده است، بنابراین کوشیده است تا حد امکان از زبان عربی استفاده نکند و حتی اشعار عربی را به فارسی ترجمه کرده است. بر همین اساس در جایی می گوید: « در مبداء تألیف این اوراق مقرر شد که متصدی ایراد ایات عربی نگردد، مگر آن چه ذکر آن ضرورت بود » (کاشفی، ۱۳۴۹: ۲۵۴) و در جایی دیگر بیان می کند: « این فقیر حقیر، حسین الواعظ الکاشفی - ایده الله بلطفه الخفی - به تالیف نسخه جامع که حالات اهل بلا از انبیا و اصفیا و شهدا و سایر ارباب ابتلا و احوال آل عبا بر سبیل توضیح و تفضیل در

وی مسطور و مذکور بود اشتغال نماید و از ایات عربی آن چه ضروری الذکر باشد با ترجمه ایراد کند و از منظومات فارسی آن چه مناسب اذهان اهل زمان بود در رشته بیان کشد» (همان: ۱۳).

## ۲. ۵. ۶. واعظ بودن نویسنده و استفاده از جملات ساده و عامیانه در روضه الشهداء

کتاب روضه الشهداء از همان ابتدا مورد اقبال ایرانیان قرار گرفت و خیلی زود در تمام نقاط ایران انتشار یافت. این اثر به دنبال رواج تشیع در ایران، بسیار مورد استفاده قرار گرفت. روضه الشهداء، آن قدر مقبولیت یافت که بیست سال پس از تألیف آن، بوسیله «حسین ندایی یزدی نیشابوری» به نظم درآمد و همین طور چندین بار به زبان ترکی ترجمه شد. کتاب روضه الشهداء، همچنین باعث گسترش تعزیه در ایران شد (رنجبر، ۱۳۹۰: ۱۷). سبک و لحن روضه خوانی در کتاب روضه الشهداء باعث جذابیت بیشتر این اثر شده است. عبدالله واعظ از نویسندگان اواخر دوره تیموریان درباره واعظ بودن میرزای کاشفی اینگونه می آورد:

«به آواز خوش و صوت دلکش به وعظ نصیحت می پرداخت. تصانیف وی بسیار است، از آن جمله جواهر التفسیر و تفسیر مواهب علیه و روضه الشهداء و انوار سهیلی و مخزن الانشا و اخلاق المحسنین و اختیارات در میان جمهور عالم، مشهور است و در سنه نهصد و ده هجری وفات یافت و قبرش در شمال عیدگاه است.» (واعظ، ۱۳۵۱: ۱۰۸).

در کتاب روضه الشهداء در بسیاری موارد تبخیر میرزای کاشفی در وعظ مشخص است: «این کدام خاتون است که نور چهره او بر آفتاب و ماه، غلبه می کند و این جامه ها از کجاست که در خزاین ملوک عرب چنین لباس نباشد مگر این جامه ها را چرب دستان مصر و اسکندریه بافته اند و پود و تارش را هنرمندان روم و فرنگ تافته؛ ایشان ندانسته که آن البسه از جامه خانه غیب بوده یا از جامه های فاطمه علیها السلام در نظرایشان اطلس و دیبا نموده چون دانستند که فاطمه علیها السلام است لرزه بر اعضای ایشان افتاده پیشگاه سریر با فاطمه علیها السلام گذاشتند و هر یک در گوشه ای سرخجالت و انفعال در پیش انداختند.» (کاشفی، ۱۳۴۹: ۱۲۶)

### ۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر برآن بود تا ضمن معرفی شخصیت و آثار میرزای کاشفی، علل رونق یکی از این آثار، یعنی کتاب روضة الشهداء، در میان ایرانیان، را مورد تبیین و تفسیر قرار دهد. از آن چه در خلال متن بدان پرداخته شد، نتایج ذیل، حاصل می‌گردد:

۱- دوره تیموری یکی از دوره‌های مهم در تألیف آثار ادبی و تاریخی است. در این دوره آثار مهمی تألیف گردید که حتی در دوره‌های بعد، به ویژه دوران حاکمیت صفویان بر ایران نیز مورد توجه مردم و نویسندگان و شعرای این مرز و بوم قرار گرفت. این دوره به لحاظ پرداختن به مسائل و مباحث دینی نسبت به دوره‌های قبل همانند خوارزمشاهیان و ایلخانان، حایز اهمیت است و نگارش این گونه آثار در دوره مذکور، افزایش چشمگیری داشته است و به نظر می‌رسد یکی از عوامل آن را باید در تساهل و تسامح مذهبی برخی از امیران این عصر، واکاوی نمود.

۲- کتاب روضة الشهداء میرزای کاشفی نیز - که از همین آثار دینی و مذهبی است - توانست به علت پرداختن به یکی از مهم‌ترین وقایع سیاسی - مذهبی تاریخ اسلام که همان حادثه کربلاست از اهمیت ویژه‌ای نزد مردم سرزمین ایران برخوردار گردد. این در حالی است که با تأملی دقیق در کتاب مذکور، می‌توان، به نقاط ضعف زیادی در روایات و درارجاعات این اثر، دست یافت.

۳- از لحاظ تاریخ نگاری، روایت‌های مجهول و نادرست کتاب، از اصلی‌ترین نقاط ضعف این اثر است.

۴- به نظر می‌رسد عواملی همچون: سبک داستانی کتاب، رویکرد احساسی و عاطفی آن، فارسی بودن آن و نثر ادیبانه اش - که بوسیله یک واعظ، نگارش یافته - تا حدود زیادی توجه مردم را به خود جلب نموده است. نگرش غالب در کتاب روضة الشهداء، نگرش داستانی است و میرزای کاشفی با آوردن مطالب خود در قالب داستان توانسته است عامه را تحت تأثیر قرار دهد و جنبه داستانی آن نیز مورد عنایت مردم قرار گرفته است.

۱. آربی، جان آرتور (۱۳۷۱)، *ادبیات کلاسیک ایران*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲. آقا بزرگ تهرانی (۱۴۰۳ ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
۳. افسری کرمانی، عبدالرضا (۱۳۷۱)، *نگرشی به مرثیه سرایی در ایران*، تهران: انتشارات اطلاعات.
۴. ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۵)، *تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران (از ورود مسلمانان تا تشکیل حکومت صفویه)*. تهران: انتشارات موسسه شیعه شناسی.
۵. چلکووسکی، پیتر (۱۳۷۹)، «روضه الشهداء و هنرهای نمایشی در ایران»، *نشریه تفاتر*، شماره ۲۲ و ۲۳، ص ۹۷-۱۱۲.
۶. شمیسا، سیروس (۱۳۹۰)، *کلیات سبک شناسی*، تهران نشر میترا.
۷. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۰)، *تاریخ ادبیات در ایران و در قلمروی زبان پارسی از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری*، بخش سوم، ج ۵، تهران.
۸. صفی، فخرالدین علی (۱۳۳۶)، *لطائف الطوائف*، ترجمه احمد گلچین، انتشارات اقبال، تهران.
۹. کاشفی، ملاحسین واعظ (۱۳۵۸)، *روضه الشهداء*، به کوشش ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۰. کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۱. گوهری و دیگران (۱۳۹۰) «روضه الشهداء از روایات مجعول تا تأثیر گذاری» *نشریه مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*، سال چهل و سوم، شماره ۸۶، ص ۹۵-۱۲۰.
۱۲. واعظ، سید اصیل الدین عبدالله (۱۳۷۵)، *مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی (ره) و فرهنگ عاشورا*. قم: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).